



# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

تاریخ: ۹ صبح ۱۵ دقیقه ۷۰ دقیقه

نیمسال دوم ۹۷-۹۶

پایه پنجم ورودی بهمن

مهر مدرسه

کتابخانه:	۲۹۶۲/۲۹
تاریخ:	۱۳۹۷/۰۴/۰۳
موضوع:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثانية - ابروایی»
صفحه:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

شماره نام صحیح اول	نمره عدد	نمره حرف
شماره نام صحیح دوم	نمره عدد	نمره حرف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مادر: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- چرا نمی توان به آیه شریفه «قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا...» (انعام: ۱۴۵) برائت شرعی استدلال نمود؟ ص ۲۲۶

۰/۵

- الف. عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود مطلقاً
- ب. ان حکم الآیة خاص للطعمه و الاشریة
- ج. ان قیاس المكلف علی النبی مع الفارق
- د. عدم الوجدان یدل علی عدم الوصول

۲- چرا حدیث «اورع الناس من وقف عند الشبهه» دلالت بر وجوب توقف (احتیاط) ندارد؟ ص ۲۳۳

۰/۵

- الف. ان الحدیث مناسب للعلم الاجمالي
- ب. لا تلازم بین الاورعیة و التوقف
- ج. لا دلیل علی وجوب الاورعیة
- د. ان الشبهه اعم من المشكوك

۳- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه امری است؟ ص ۲۴۷

۰/۵

- الف. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطعیه
- ب. خروج برخی از افراد از محل ابتلاء
- ج. جریان اصالة البرائة در همه اطراف
- د. حکومت قاعده عسر و حرج

۴- اصل اولی در صورت تعارض مستقر چیست؟ ص ۲۸۲

۰/۵

- الف. تخییر
- ب. تساقط
- ج. جمع عرفی
- د. ترجیح با مرجح

۵- استدلال «ان العقلاء فی اعرفهم یقبحون عقاب المامور علی مخالفة تکلیف لم یصل الیه» برای اثبات «برائت عقلی» را تبیین کرده،

۲

جواب شهید صدر<sup>(ه)</sup> از آن را تبیین نماید. ص ۲۲۳ - ۲ نمره

جواب: در میان جمع عقلاء اگر شخص امر بخواهد مامور خود را بر مخالفت تکلیفی که به او نرسیده است عقاب کند نکوهش می شود و به همین قیاس خداوند نیز نمی تواند بندگان خود را بر مخالفت تکلیف غیر اصل عقاب نماید. جواب شهید صدر<sup>(ه)</sup>: قیاس حق الطاعة خداوند با حق الطاعة ثابت برای موالی عرفیه، قیاس مع الفارق است. زیرا حق الطاعة موالی عرفی جعلی و اعتباری است و حدود آن نیز تابع جعل است در صورتی که حق الطاعة خداوند ذاتی و تکوینی است و نمی توان محدود بودن حق الطاعة در موالی عرفی را به حق الطاعة ذاتی خداوند قیاس نمود.

۶- وجه تردید در عبارت: «انها معارضة بنصوص تدل علی وجوب الاحتیاط بنحو ترفع موضوع ادلة البرائة او تعارضها من دون رفع موضوعها» در مبحث «اعتراض بر ادله برائت» را به همراه مثال تبیین نماید. ص ۲۳۲ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر مدلول دلیل برائت، ثبوت برائت هنگام عدم بیان (اعم از تکلیف واقعی و وجوب احتیاط) باشد، در این صورت ادله احتیاط، رافع موضوع برائت هستند مانند آیه شریفه: «و ما کانت معذبین حتی نبعث رسولا» مرا از رسول مطلق حجت است که اعم از حکم واقعی و وجوب احتیاط است و در نتیجه ادله احتیاط بر فرض تمامیت رافع موضوع برائت اثبات شده توسط این آیه می باشد. اما اگر مدلول دلیل برائت، ثبوت برائت هنگام عدم بیان (یعنی تکلیف واقعی فقط) در این صورت ادله احتیاط معارض دلیل برائت می باشد. مانند: حدیث رفع که دلالت بر عدم وجوب احتیاط دارد و در این صورت ادله احتیاط بر فرض تمامیت معارض حدیث رفع هستند.

۷- رکن سوم منجزیت علم اجمالی را بیان نمایید و یک مورد از موارد اختلال این رکن را در ضمن مثال توضیح دهید. ص ۲۴۶ - ۲ - نمره

۲

جواب:

یکی از شرایط منجزیت و حجیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیصی (برائت) جاری کرد. در چنین مواردی است که می‌گوییم جریان برائت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف [با قطع نظر از تعارض اصل در دو طرف]، اصل برائت را فی حد نفسه نپذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری می‌شود لذا علم اجمالی منجز نیست.

مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف داشته باشیم و یکی از آن‌ها خارج از محل ابتلا باشد، ظرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برائت جاری شود. پس برائت در ظرف دوم معارض ندارد.

۸- عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» در صحیحہ «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء....» چرا اختصاص به باب وضوء ندارد و قاعده‌ای

عام است؟ ص ۲۵۹ - ۱ - نمره

جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می‌کند. [یک جواب کافی است و جواب دیگر در کتاب]

۹- مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۱ - ۲ - نمره

جواب: گاهی اوقات شک فعلی است یعنی شخص بالفعل شک دارد ولی گاهی اوقات شک تقدیری است یعنی اگر شخص التفات داشته باشد، شک می‌کند، مثلاً اگر مکلف یقین به حدث داشته و سپس در بقاء حدث شک کند و با همین شک نماز بخواند، نمازش باطل است زیرا شک او فعلی است و استصحاب جاری می‌شود اما اگر مکلف یقین به حدث داشته باشد و غفلت کند و نماز بخواند و بعد از نماز شک کند که آیا حین نماز حدث باقی بود یا نه در این حالت شک تقدیری است یعنی اگر ملتفت بود شک در بقاء حدث داشت، در این صورت استصحاب جاری نمی‌شود.

۱۰- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی<sup>(ره)</sup> بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ - نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی<sup>(ره)</sup>: در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقاؤش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریح چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدره الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۱- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزامم» بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ - نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشتند باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. (نمره ۱/۵) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در التزام تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (نمره ۰/۵)